



# ایران ورجاوند

مجله ایران‌شناسی | سال ۱۴ | شماره ۶ | بهار و تابستان ۱۴۰۰ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ سفال و جوامع انسانی
- ◆ شهرنشینی ری در دوره سلجوقی
- ◆ آیین و شیوه تدفین ایل‌های غرب زاگرس مرکزی
- ◆ الگوهای هندسی شبه‌متناوب در نقش‌های گنبد کبود مراغه
- ◆ هیئت سیاسی پادشاهی حمیر در دربار بهرام دوم ساسانی در بیشاپور
- ◆ پیکره مفرغین شیر دوره هخامنشی از بُسته فارغان، حاجی آباد هرمزگان
- ◆ سر نخعی از محل کشف ظرف‌های سیمین دوره ساسانی سرپل زهاب، کرمانشاه
- ◆ درباره توسعه مهر و مهر و موم در زمان ساسانی، عملکرد: رویکردی میان‌رودانی

# ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



دوفصلنامه ایران شناسی

سال ۴ | شماره ۶ | بهار و تابستان ۱۴۰۰ | ۱۵۸ صفحه |  
شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |  
صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |  
مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گچبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گچبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتر باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری تاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گچبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گچبری در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

عکس: نیم تنه پادشاه ساسانی که تاج آن نشان دهنده شاپور دوم یا بهرام پنجم است که از کیش در عراق یافت شده است. © موزه تاریخ طبیعی فیلد

تهران: صندوق پستی ۵۶۹-۱۴۵۱۵

[www.iranvarjavand.ir](http://www.iranvarjavand.ir)

[Iranvarjavand@hotmail.com](mailto:Iranvarjavand@hotmail.com)

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶



چاپخانه: ایران کهن

همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است. تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است | با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



# ”سیاهه“

## مقاله

- ۴ پیکره مفرغین شیر دوره هخامنشی از بستانه فارغان، حاجی آباد هرمزگان | مهدی رهبر و مهدی خلیلی  
درباره توسعه مهر و مهر و موم در زمان ساسانی، عملکرد: رویکردی میان‌رودانی | نیلز سی. ریتر، ترجمه زهرا  
۱۲ فلاحی یارولی و رضا مهربانی
- ۲۵ هیئت سیاسی پادشاهی حمیر در دربار بهرام دوم ساسانی در بیشاپور | برونو اورلت، ترجمه نیکنام نجیب  
۳۲ سر نخ از محل کشف ظرف‌های سیمین دوره ساسانی سرپل زهاب، کرمانشاه | سجاد علی بیگی  
۳۷ الگوهای هندسی شبه‌متناوب در نقش‌های گنبد کبود مراغه | داریوش احمدی  
۵۲ شهرنشینی ری در دوره سلجوقی | روکو رنته، گرین د پاسکوله، ترجمه محسن سعادت  
۶۹ آیین و شیوه تدفین ایل‌های غرب زاگرس مرکزی | علی نوراللهی  
۱۰۴ سفال و جوامع انسانی | کرول کرامر، ترجمه مجتبی چرمچیان و حمزه خردمند

## یادنامه

- ۱۳۵ فیروز باستان‌شناسی ایران

## درگذشتگان

- ۱۴۵ درگذشتگان ایران‌شناسی | آرشاک ایروانیان

## پیشخوان

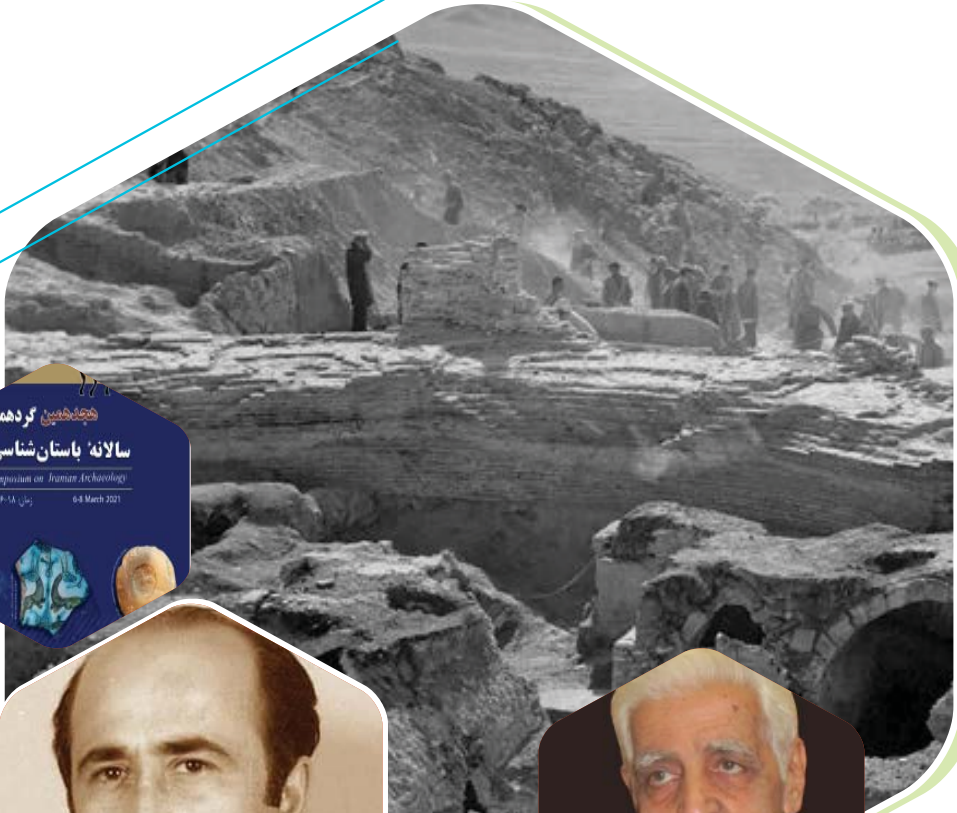
- ۱۴۷ معرفی کتاب راهنمای باستان‌شناسی اسلامی | حسین صبری

## گزارش

- ۱۵۳ هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران



مقاله



مجله ایران‌شناسی ایران ورجاوند



## شهرنشینی ری در دوره سلجوقی\*

روکو رنته، گرمن د پاسکوله

ترجمه محسن سعادت

مدیر پایگاه میراث فرهنگی شهری

دکتری باستان‌شناسی دوره اسلامی دانشگاه تربیت مدرس

### چکیده

مطالعه فرآیندهای شهرنشینی در یک شهر باستانی، اوضاع اجتماعی، سیاسی و مذهبی یک جامعه را مشخص می‌کند. درحالی‌که انگیزه‌های مدنیت در پس‌زمینه سیاسی و مذهبی جامعه مطرح شده، واکنش و شکل‌گیری شهرنشینی بیشتر به قلمرو انتخابی و ریخت‌شناسی آن مرتبط است. این مقاله تلاش دارد تا نقشه شهری پایتخت قرون میانی ایران، ری، را در طول دوره سلجوقی بازسازی کند. با استناد به مشاهدات ماهواره‌ای، تصاویر سال ۱۹۵۰ میلادی، طرح پاسکال کست و یک نقاشی تازه کشف شده از او و همچنین چندین بررسی انجام شده در سال ۲۰۰۵، یک نقشه قابل قبول از این شهر سلجوقی را بازسازی کرد.

واژه‌های کلیدی: ری، شهرنشینی، شهر، سلجوقی، قبرستان

### مقدمه

و فنی - که هدف آن تعیین یک سازمان بهتر برای زندگی است. تحولات شهرنشینی بازتابی از پس‌زمینه‌های سیاسی-مذهبی جامعه بوده، حتی اگر واکنش و شکل‌گیری شهرنشینی با قلمرو انتخاب شده و ریخت‌شناسی آن ارتباط دارد. مطالعه فرآیندهای شهرنشینی در یک شهر باستانی، از نظر باستان‌شناسی یا تاریخی، ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی یک جامعه خاص را روشن می‌کند.

اولین معنی از کلمه شهرنشینی مربوط به عمل یا واقعیت شهرنشین است، از این رو استقرار یک فضای روستایی، که به دنبال آن تراکم انسان را به همراه دارد، یک جامعه را سازماندهی می‌کند. بنابراین، زمین‌های متصرف در مناطق مختلف با عملکردهای متفاوت سازمان یافته است. این ساختار در زمان و مکان متفاوت بوده، در نتیجه بازتابی متفاوت داشته - سیاسی، مذهبی

\* این مقاله برگردانی است از:

Rante.R & Di Pasquale. C, 2016, "The Urbanization of Ray in the Seljuq Period" *Der Islam* 2016; 93(2): 413-432.

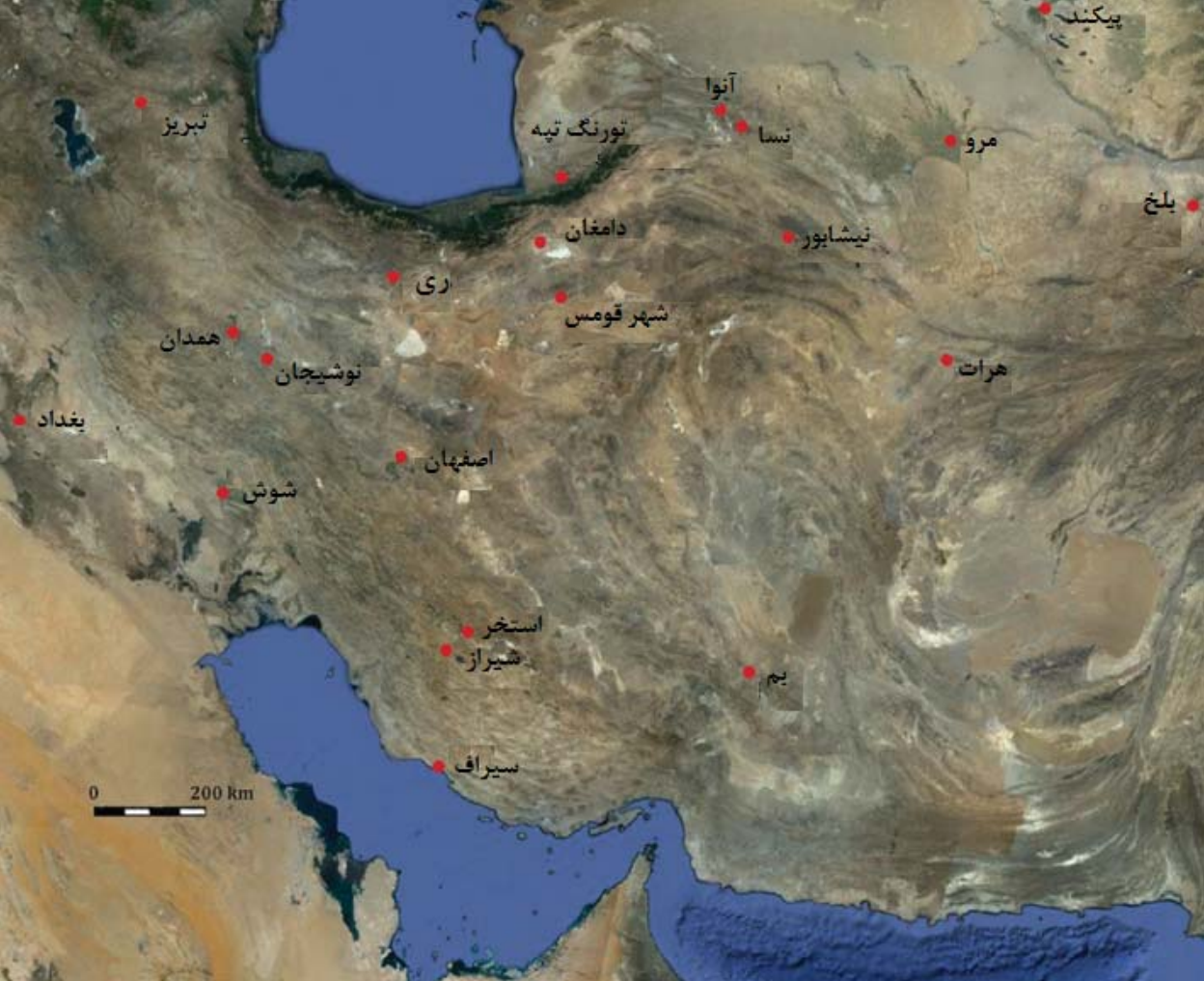


تصویر ۱. نقشه جغرافیایی منطقه ری (Rante 2015)

باین حال، با کمک تصاویر ماهواره‌ای، تصاویر دوره سلجوقی به عنوان شهری در پایتخت ایران است. فرآیندهای شهرنشینی این شهر را می‌توان با بهره‌گیری از منابع مختلف روشن ساخت: باستان‌شناختی، جغرافیایی و متون تاریخی. همان‌طور که چند سال پیش اشاره شد (Rante 2007)، شهر باستانی ری، امروزه به‌طور کامل در اثر شهرسازی جدید از بین رفته است. بقایایی که در بازسازی ساختار شهری به ما کمک می‌کنند، چندان دور از دسترس نیستند.

هدف از این مقاله<sup>۱</sup> بازسازی نقشه شهری ری دوره سلجوقی به عنوان شهری در پایتخت ایران است. فرآیندهای شهرنشینی این شهر را می‌توان با بهره‌گیری از منابع مختلف روشن ساخت: باستان‌شناختی، جغرافیایی و متون تاریخی. همان‌طور که چند سال پیش اشاره شد (Rante 2007)، شهر باستانی ری، امروزه به‌طور کامل در اثر شهرسازی جدید از بین رفته است. بقایایی که در بازسازی ساختار شهری به ما کمک می‌کنند، چندان دور از دسترس نیستند.

۱ می‌خواهم از رناتا هولود برای اصطلاحات و پیشنهادهای مناسبش تشکر کنم.



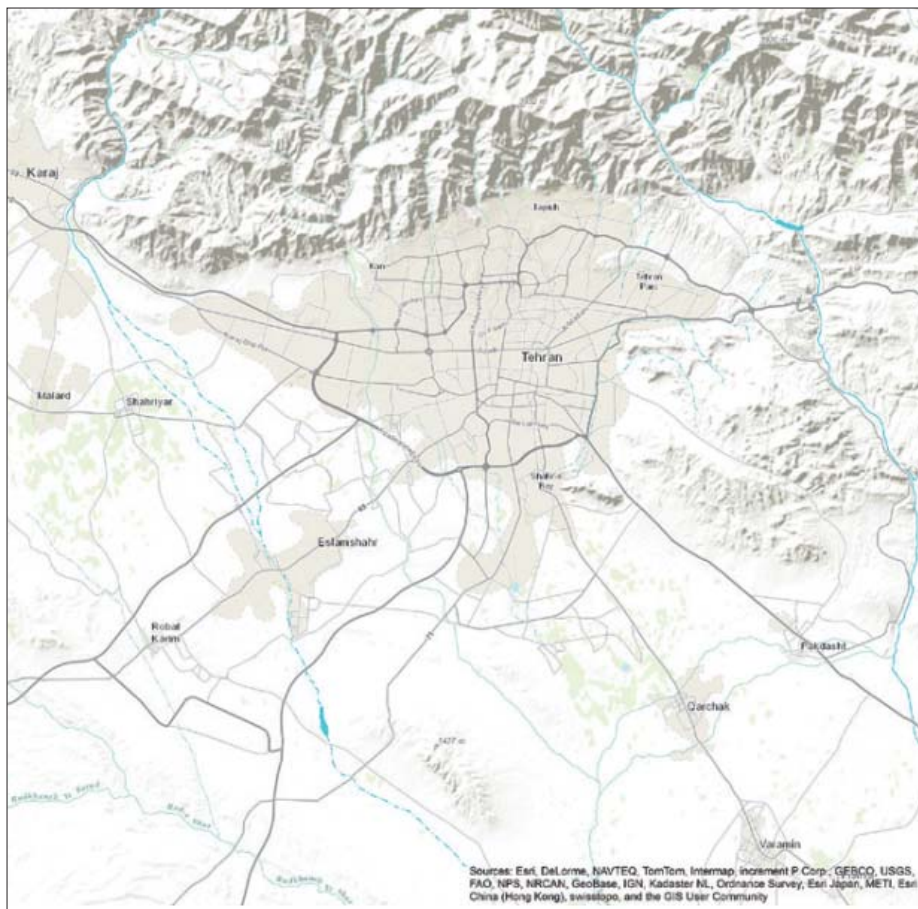
تصویر ۲. نقشه جغرافیایی ایران (Esri Image)

در شمال این محوطه، پایتخت جدید ایران، تهران وجود دارد. در سمت جنوب به جانب فلات گسترش می‌یابد که مربوط به غربی‌ترین بخش دشت کویر، بزرگ‌ترین کویر است. موقعیت ری باستان و قرون میانی، برای کنترل شرق-غرب و همچنین ارتباطات و تجارت شمال-جنوب ایده آل است. با وجود این موقعیت کلیدی، این محوطه با وجود جریان‌های آبی، پر برکت نبود (تصویر ۳). اما در بین دو رودخانه بزرگ قرار دارد: رودخانه کرج در غرب که بزرگ‌تر بوده و خود آب شهر کرج را تأمین می‌کند؛ و جاجرود در شرق که آب شهر ورامین را تأمین می‌کند (Valles, Gholami,

صنایع دستی و گردشگری ایران، شهرنشینی جدید ماهیت شهر ری را تعیین کرده است. کل محوطه را می‌توان در چندین حوزه بنای تاریخی از جمله نظام‌آباد، تپه میل، چال‌ترخان، عشق‌آباد و بنای تدفینی در تپه بی‌بی شهربانو تعریف کرد. بنابراین این حمایت کافی نیست، و برای حفظ آنچه که در این محوطه مهم وجود دارد، نیازمند یک عملیات مرمت و حفاظت اضطراری است.

**وضعیت جغرافیایی**  
محوطه تاریخی ری (امروزه شاه عبدالعظیم و شهر ری نامیده می‌شود) در پای کوه البرز در جنوب دریای کاسپی واقع شده است (تصویر ۲).





تصویر ۳. تصویر ماهواره‌ای توپوگرافی (Esri Imag)

Lambert 1990). شاید در حال حاضر در طول احداث شهر تقویت شده، آب ری از طریق حوضچه‌های کوچکی که از جابجود می‌آمده، تأمین می‌شد. ساختن راهروهای زیرزمینی آب (قنات) در آن زمان به‌طور زیادی گسترش یافت، که به عرضه آب موجود و در نتیجه پتانسیلی برای رشد جمعیتی و اقتصادی منجر شد.

### وضعیت تاریخی

ریشه سکونت انسان در تمام منطقه دشت ری به دوره نوسنگی بازمی‌گردد. یک استقرار مداوم، با توجه به وجود یک چشمه به نام چشمه علی، که بر یک تپه کوچک واقع شده است. این تپه

غربی‌ترین شاخه از کوه بی‌بی شهربانو بوده که خود بخشی از دامنه‌های وسیع محدوده البرز است. تقریباً در ۳۰۰ متری شرق چشمه علی، استحکامات شهر وجود دارد که متشکل از ارگ حکومتی در تپه‌ای به نام کوه سرسره، ربض و شارستان است (Rante 2015, 11-13).

در طول دوره آل بویه، این شهر یک قلمرو سیاسی یکپارچه داشته که از نظر قدرت سیاسی با سه شهر دیگر مشترک بود: همدان، اصفهان، شیراز. در زمان حکومت سلجوقی، شهر از لحاظ سیاسی به یکی از مهم‌ترین شهرهای جهان اسلام تبدیل شده است. در طول سال‌های اول حکومت سلجوقی، ری بزرگ‌ترین پایتخت



قلمرو آنها شده بود (Mottahedeh 2001, 39-3). در سال ۱۰۴۲/۴۳۴ طغرل بیگ در ری مستقر شد (Ibn al-Athīr, IX, 347, I.21-349, I.12). دستور بازسازی شهر را داد، که چندین کشتار را متحمل شد، و محل اقامت خود را در آنجا ساخته است (Ibn al-Athīr, IX, 347, I.25-348, I.1).

به نظر می‌رسد باتوجه به مواد حاصل از کاوش‌های اشمیت در دهه ۱۹۳۰ میلادی و تحقیقات اخیر در شارستان، ری از نظر اقتصادی اهمیت خود را حفظ کرده است (Rante 2015, 24-25). فروپاشی امپراتوری سلجوقی به طرز عجیبی با شکوفایی تولیدات صنایع دستی، با کمترین سفال و همچنین دستاوردهای معماری همخوانی دارد. سال‌های پس از اواسط قرن ۱۲ با مشکلات همراه بود، به احتمال به‌علت عدم تمرکز امپراتوری سلجوقی و ایجاد مزاحمت دولت‌ها در سرزمین‌های شرقی بوده است (Miles 1938, 196 ff). در نیمه دوم قرن بیستم ری به‌طور رسمی به حوزه سیاسی عراق تعلق داشت. طغرل سوم آخرین حاکم سلجوقی، توسط قتلغ اینانج بن پهلوان در سال ۱۱۹۳ میلادی در نبرد در نزدیکی ری کشته شد. براساس گزارش‌های ابن اثیر (Ibn al-Athīr, XI, 237)، در طول این دوره ری از جنگ‌های داخلی بین سنی و شیعه رنج می‌برد؛ منابع اشاره می‌کند که ساکنان کشته و یا پراکنده شدند، درحالی‌که خرابه‌های شهر هنوز باقی مانده است. بعدها در سال ۱۲۱۷ میلادی شهر توسط اتابکی از فارس به نام سعد بن زنگی

تصرف شد، که به‌سرعت توسط خوارزم‌شاه جلال‌الدین رانده شد (Minorsky 1994, 472). همان‌طورکه اشاره شد، سه سال بعد در سال ۱۲۲۰ میلادی مغولان وارد ری شدند.

### اسناد و مدارک نقشه‌نگاری

اولین تلاش برای بازسازی ری و شهرنشینی آن از طریق متون تاریخی، کتاب ری باستان است که حسین کریمان آن را در سال ۱۳۴۵/۱۹۶۶ در تهران منتشر کرد. هرچند وی تجزیه و تحلیل هر دوره به‌ویژه قرون ۱۰-۱۲ را با وجود کمبود داده‌های تاریخی موجود در آن دوره برعهده گرفت. بازسازی او از نقشه شهر که در کتاب وی به‌عنوان تصویر ۱ معرفی می‌شود، براساس بازسازی وی از نقشه کرپورتر از ری طی سال‌های ۱۸۲۰-۱۸۲۱ (Ker Porter 1820-21, 360-361) به همراه تحلیل بیشتر متون تاریخی است. به‌طور ویژه، او از کار بسیار مفید قرن ۱۲، کتاب النقص نوشته نصرالدین ابوالرشید عبدالجلالی رازی، برای تکمیل استخوان‌بندی شهر استفاده کرد.<sup>۲</sup> باوجوداین، همان‌طورکه قبلاً اشاره شد (Rante 2015, 11, 35 n. 3) کار کریمان نیز دارای برخی نواقص است. به‌طور عمده نقشه کرپورتر به‌عنوان یک منبع شهری، از بسیاری اشتباهات مانند جهت نادرست، ابعاد ناقص و در نتیجه برخی اشتباهات در بقایای آثار، رنج می‌برد (Karīmān 1345, fig. 1) باوجوداین، به نظر می‌رسد نسبت به دیگر نقشه‌ها مفید به نظر می‌رسد.

محقق بعدی شهریار عدل بود که به بررسی

۱ طغرل بیگ، آخرین حاکم آل بویه الملک الرحیم را به زندان انداخت، که در سال ۱۰۷۱ شمسی در قلعه طبرک ری درگذشت.

۲ این اثر شیعه در نیمه دوم قرن دوازدهم در ری نوشته شده است. کتاب النقص توسط جلال‌الدین حسینی محدث ویرایش و منتشر شد، اولین بار در سال ۱۹۵۲ براساس پنج نسخه خطی. و دومین بار در سال ۱۹۸۰ براساس هشت نسخه خطی.

مجدد نقشه جغرافیایی ری پراخت، وی نقشه شهری ری را در دهه ۱۹۷۰ تجدید نظر کرد (Adle 1979, Pl. 1). اما متأسفانه وی به نقشه پاسکال کست از سال ۴۱-۱۸۴۰ دسترسی نداشت. با این حال، او به کمک تصاویر هوایی، توانست توزیع استقرارهای اطراف هسته باستانی را مشخص کند. علاوه بر این به لطف یک منبع ناشناس، مجمل التواریخ و القصص، نوشته شده در سال ۱۱۲۶ میلادی، موفق به شناسایی مناطق غیر استقراری به‌ویژه گورستان و نوعی کلان از شهرنشینی شد.

اخیراً نقشه‌ای از پاسکال کُوست از ری به‌دست آمده (Rante 2015, fig. 6) که هرچند منبع بسیار مفیدی از اطلاعات شهری و تاریخی و همچنین بهترین ابزار گرافیکی نمایانگر آخرین مرحله از ساختار باستانی شهر قبل از آغاز شهرسازی جدید است، ولی نه منسجم و نه هم‌زمان یک نمای کلی از شهر را ارائه می‌دهد. این نقشه شکل نادرستی از منطقه شهری را ارائه می‌دهد، به‌ویژه در قسمت‌های جنوبی و غربی آن؛ به‌عنوان مثال بخش جنوب غربی دیوار بارو حرم عبدالعظیم (ع) را دربرمی‌گیرد. مقایسه بین شهرنشینی جدید، که حرم را در جنوب و نه در غرب جایابی کرده<sup>۱</sup> و اطلاعات به‌دست‌آمده از بررسی‌های جدید نشان می‌دهد که باروی باستانی حرم محصور نشده است. این وضعیت هرگونه بازسازی شهر باستانی از طریق اسناد و منابع مکتوب یا نقاشی‌ها را باطل می‌کند. بنابراین بررسی و کاوش برای تهیه و تأیید صحیح‌ترین نقشه از شهر را ضروری می‌کند.

به نظر می‌رسد که تطبیق شکل شهر با نقشه کُست نسبت به یک نمای ساده ماهواره‌ای (Google Earth 2000) آغاز یک راه‌حل ساده را ارائه می‌دهد: در توصیف نقشه کُست اینکه برخی از خطوط و ساختارهای آن با نقشه فعلی شهر و ساختارهای باستانی قابل مشاهده امروز در ارتباط است. بررسی‌های مجدد در سال ۲۰۱۵ در ری امکان شناسایی برخی ویرانه‌های باقی‌مانده و طراحی مجدد سازمان فضایی شهر را فراهم می‌کند.

نقشه جدید ری دوره سلجوقی (تصویر ۴) که برای این پژوهش تهیه شده دارای تغییرات زیر است: درحالی‌که قسمت شمالی نقشه کم‌وبیش از نقشه کُست پیروی می‌کند، قسمت جنوبی تا حدودی متفاوت است. اختلافات به‌احتمال ناشی از دیدگاه پاسکال کست در زمان کار است. به‌احتمال زیاد، طراح در نزدیکی قسمت شمالی نسبت به جنوب قرار داشته است. علاوه بر این امروزه با ایستادن بر بلندای قلعه گبری، هنوز هم می‌توان برخی از ویرانه‌ها را در سمت جنوب مشاهده کرد که در نتیجه متوجه مکان نادرست آنها در نقشه کُست می‌شوید. به‌عنوان مثال، بقایای بزرگ قلعه گبری توسط پاسکال کُست و همچنین کرپورتر بیشتر به سمت غرب قرار دارد، درحالی‌که هم بررسی‌ها و هم نمای ماهواره‌ای نشان می‌دهد که محل آن بیشتر به سمت جنوب/ جنوب شرقی قرار دارد.<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۷، ترپتو سعی کرد با اشاره به بایگانی‌های اریک اشمیت در موزه باستان‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه پنسیلوانیا (UPMAA) شکل شهر را طراحی و

۱ همچنین نگاه کنید به نقشه رابرت کرپورتر (Rante 2007, fig. 6)، که در آن حرم و قلعه گبری به‌خوبی جانمایی شده است.

۲ حتی اگر در نقشه کرپورتر قلعه گبری به سمت جنوب نمایش داده می‌شود، از نظر جهت قرارگیری اشتباه است، تعیین صحیح همه مکان‌های دشوار است.



تصویر ۴. بنای یادمانی، دامنه شمالی بی‌بی شهربانو (Rante 2015)

۲۰۰۲ و برخی از پنجاه تصاویر هوایی منطقه است.<sup>۱</sup> طبق این بازسازی، بارو از قلعه گبری مستقیم به غرب می‌رود، و قبل از رسیدن به حرم شاه عبدالعظیم به سمت شمال می‌چرخد، تقریباً مشابه شکل نقشه کُست است. در نتیجه بارو منطقه امامزاده عبدالله را محاصره می‌کند،<sup>۲</sup> با رعایت محدودیت‌های قرن ۱۹ و از طراحی پیروی می‌کند که بسیار قابل شناسایی‌تر است، همان‌طور که امروزه هنوز در منطقه بین ارگ، چشمه‌علی و بی‌بی زبیده اتفاق افتاده است.

این فضا نشان دهنده حداکثر میزان استحکامات ری و محدودیت‌های شهری دوره سلجوقی است. مطالعات سفال‌های موجود در مخزن موزه ملی ایران و همچنین مطالعه برخی از بایگانی‌های اریک اشمیت در پروژه UP-

Treptow 2007) ساختار آن را مشخص کند (14). نقشه پراکنده است، هرچند بسیار ناقص بوده، ولی ایده صحیح‌تری از نقشه شهر باستانی را ارائه می‌دهد.

با در نظر گرفتن این ناسازگاری‌ها، نقشه جدید اکنون شکل کشیده‌تری دارد. باروی شرقی از امتداد شهرنشینی جدید گسترش پیدا می‌کند، که در آن برخی ویرانه‌ها هنوز قابل مشاهده است. در ضلع غربی، از قلعه گبری تا حرم عبدالعظیم و به سمت شمال، باروها کاملاً از بین رفته است، مانند بسیاری از دیگر عوارض شهر قدیم، بنابراین بازسازی دقیق آن غیرممکن است. هنوز هم می‌توان یک طرح را ارائه داد که در نتیجه ترکیبی از دو طرح قرن نوزدهم توسط کرپورتر و پاسکال کُست؛ نمای ماهواره‌ای تاریخ

۱ من این تصاویر را از سازمان نقشه‌برداری تهران به دست آورده‌ام.  
۲ به نظر می‌رسد در زمان صفویه ساخته شده است.

MAA سال ۲۰۰۶، این توسعه شهری را تایید می‌کنند.<sup>۱</sup> علاوه بر این، شهر فراتر از باروها و این منطقه نیز گسترش یافت. این گسترش از اوایل دوره ساسانی آغاز شد (Rante 2015، 123-126). در خارج از منطقه استحکامات شهر، به‌ویژه در دوره سلجوقی، چندین بنای یادبود از تدفین شخصیت‌ها در دامنه‌های غربی و شمالی تپه بی بی شهربانو و همچنین فراتر از ارگ در دامنه کوه صفائیه وجود دارد. پژوهش عدل، با تاکید بر مجمع التواریخ و القصص، بخش‌های مختلف شهر را در داخل و خارج از باروها برجسته می‌کند (Ade 1979، 512). اول از همه، منابع قرون میانی از دو نهاد بزرگ شهری یاد می‌کنند: ری زیرین (ری فوقانی) و ری زیرین (ری پایین). اکنون، تحقیقات جدیدتر نشان داده است که این موارد از زمان دولت المهدی در اواسط قرن ۸ وجود داشته است.

حتی اگر امروزه بررسی مناطق شمال شرقی و شرق شهر به دلیل ساخت و سازهای بزرگ معاصر میسر نباشد، کاوش‌ها و بررسی‌های قدیمی (Ade 1976، 1990)، تأیید کرده‌اند که کل منطقه بین بی بی شهربانو و صفاییه با بناهای بزرگ تدفینی پوشانده شده است. این منطقه از دو قسمت کهنه گورستان زبرین (قبرستان باستانی بالا) و کهنه گورستان زبرین (قبرستان باستانی زیرین) تشکیل شده است (Ade 1976، 512). اولی به عنوان منطقه شمال بی بی شهربانو و صفاییه و دومی تمام منطقه ضلع جنوبی بی بی شهربانو را شامل می‌شود. امروزه اثری از کهنه گورستان زبرین موجود نیست، به جز یک سازه سنگ تراش در

دامنه شمالی بی بی شهربانو (تصویر ۵). در دامنه جنوبی، آثار مختلف و آسیب دیده هنوز حفظ شده است.

### شهر داخلی

از این نقشه جدید (تصویر ۴) اکنون می‌توان دو منطقه بزرگ شهری را در استحکامات شناسایی کرد. قسمت فوقانی قدیم‌ترین منطقه شهر را تشکیل می‌دهد، که در آن به احتمال استحکامات دوره اشکانی که از شرق به غرب می‌گذرد مورد توجه قرار گرفته است. قسمت پایین شامل یک منطقه بزرگ بود، که در آن محدوده توسعه یافته است، شهر دیگری که المهدی در طول ده سال تصدی خود به عنوان فرماندار ری ایجاد کرد (Rante 2015، 18). همان‌طور که در نقشه مشاهده می‌شود که براساس داده‌های موجود در نقشه‌ها و بررسی‌های نقاط تأیید شده توسط نویسنده انجام شده، به نظر می‌رسد منطقه فوقانی نسبت به منطقه زیرین دارای ساختار شهری بیشتری است. چندین محل پیشنهاد شده توسط کریمان در این نقشه بازسازی شناسایی نشده است.

منابع آبی ری دوره سلجوقی حداقل از طریق دو کانال اصلی تأمین می‌شود: سورقانی و گیلانی، همان‌طور که ابن حوقل اشاره کرده است، سورکنی (سورینی) و گیلانی، همان‌طور که ابن رسته ذکر کرده است (Ibn Hawqal 1964، 368). ما نمی‌دانیم که این دو بزرگ‌ترین هستند، اما آنها مطمئناً از قدیم‌ترین منابع آبی شهر بودند. در حقیقت، کانال سورینی به عنوان کانال انتقال آب شناخته شده از چشمه‌علی، از قنات روزه عبور کرد (Ibn Rusta 1955، 194-195)

۱ سوابق حفاری اریک اشیمت در بایگانی UPMAA نگهداری می‌شود.



و از باستانی‌ترین منطقه ری آمده است. کانال گیلانی، طبق متون تاریخی، از سمت طبرستان آمده و از شارسرستان و قنات ساربان عبور کرد (Rante 2015, 134; Karīmān 1345, 130-132). کست کانال سوم را در ضلع شرقی ترسیم کرده: از شمال شرقی می‌آمد، ارگ را در برمی‌گرفت، به شرق می‌رفت، و به دنبال شیب جنوبی بی‌بی شهربانو به سمت جنوب و جنوب شرق منتهی می‌شود (Rante 2015, 143-147; Karīmān 1345, 36). بخش ابتدایی این کانال را هنوز می‌توان شناسایی کرد، به سمت شرق تا باروهای باستانی در جریان است، پس از آن کانال به سمت مزارع کشاورزی از بین می‌رود. بنابراین، با وجود عدم وجود نام مستعار برای این کانال در منابع، موقعیت مکانی آن را به یکی از منابع اصلی تأمین آب در شهر تبدیل کرده است.

در منابع تاریخی که بین قرون ۱۰ و ۱۲ به چندین دروازه در این شهر ذکر شده است. در سال‌های اول قرن ۱۰ (به احتمال حدود ۹۰۳ میلادی) ابن الفقیه الهمدانی از دروازه‌های باتاک (باتان)، بلیسان و حرب نام می‌برد (Rante 2015, fig. 6). با توجه به مبارزات سیاسی و مذهبی که در نیمه دوم قرن ۹ و سال‌های اول قرن ۱۰ در ری انجام شد (Karīmān 1345, 237-239) احتمال ساماندهی مجدد شهر در آن زمان کم است. این امر به صورت غیرمستقیم از وجود حداقل سه دروازه قبل از دوره آل بویه را تأیید می‌کند. در طول قرن دهم، ابن حوقل از پنج دروازه نام می‌برد: باب باتاک، باب بلیسان، باب کوهک و باب سین، دروازه اصلی شهر است (Rante 2015, 19-21). در همان

دوره، اصطخری از دروازه آهنین، دروازه دولاب و دروازه عثاب یاد می‌کند. به نظر می‌رسد منابع تاریخی قرن ۱۲ تمام دروازه‌های ذکر شده قبلی را تشخیص می‌دهد، اما دروازه جاروب بندان، دروازه مصلحگان، دروازه عابیس، دروازه کنده، دروازه مهران و دروازه شارسرستان را به فهرست اضافه کنید.

هرچند این چهارچوب کاملاً مفصل به نظر می‌رسد، منابع تاریخی دیگر فهرست دروازه‌های ابن حوقل را تأیید می‌کند. طاق باتاک یا دروازه باتان، که به سمت جاده بغداد باز می‌شود، باید در غرب قرار داشته باشد، دروازه بلیسان، به سمت جاده قزوین باز می‌شود، باید در شمال غربی واقع شود. باب هشام و باب سین، به ترتیب به خراسان و قم باز می‌شوند، باید در قسمت جنوب شرقی و جنوب شهر واقع شوند. دروازه دوم، به نظر من با قلعه گبری شناخته می‌شود، به خصوص به دلیل بنای مستحکم آن، که از یک مکان کلیدی در جایی دفاع می‌کند و هیچ ساختار دفاعی طبیعی نیز ندارد.<sup>۱</sup>

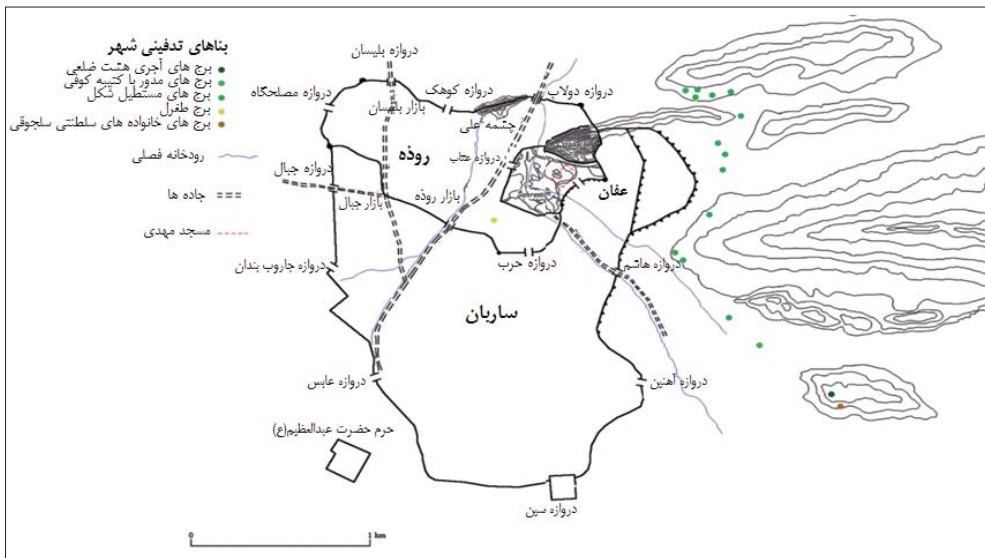
دروازه آهنین که هم توسط اصطخری و هم در کتاب النقص ذکر شده، می‌تواند براساس گفته کریمان (Karīmān 1345: 237; fig. 1) به این فهرست اصلی اضافه شود، با توجه به موقعیت مکانی در نزدیکی مدرسه سید زاهد ابوالفتح، که در قسمت جنوب شرقی شهر شناسایی شده قرار دارد. اصطخری همچنین از دروازه دولاب یاد می‌کند، که در جاده به سمت طبرستان و گرگان واقع شده (Karīmān 1345, 240) در شمال شرقی نقشه جای دارد. از آنجاکه دولاب یک کلمه ایرانی است (در زبان عربی نیز استفاده می‌شود) به معنی چرخ آب

۱ نگاه کنید به مربعی که در نقشه کرپورتر کشیده شده و با حرف D نشان داده شده است. Ker Porter 1820-21, 360-361

است و با توجه به اینکه کانال گیلانی طبق نقشه گُست از قسمت شمال شرقی عبور می‌کرد، این دروازه می‌تواند در تقاطع این کانال و باروی شهر واقع شود، همان‌گونه در نقشه کریمان نشان داده شده است. اصطخری و همچنین ابن حوقل نیز از دروازه کوهک به سمت طبرستان نام برده است، که در نقشه کریمان در شرق و جنوب بی‌بی شهربانو قرار دارد (Karīmān 1345, fig. 1; 248). اما جهت کریمان نادرست است، این دروازه به احتمال در قسمت شمال شرقی واقع شده است. باوجود این نباید این را منتفی دانست که شاید این دروازه دو نام مستعار داشته باشد: کوهک و دولاب (Rante 2015, 134). دروازه عثاب، «باب المدینه و راس الروذه و در عثاب» (Istakhrī 1870, 208)، باید در میان باروهای باستانی شارستان (المدینه) قرار داشته باشد. با تشکر از کلمه (الروذه)، یکی از محلات اصلی شهر، که در قسمت شمالی ری پیدا کردم، باید بتوان این دروازه را در قسمت شمال غربی شارستان جانمایی کرد. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، ابن الفقیه الهمدانی از نام مستعار حرب یاد می‌کند، که پل شوارتز آن به عنوان دروازه حرب معرفی می‌کند (Rante 2015, 133). توصیف مکان ساربان، جغرافی‌دان پارسی آن را بین حرب و عفان قرار می‌دهد، یک فضای باز که من آن را در سمت شرق قرار می‌دهم. بنابراین ممکن است دروازه حرب به باروی بزرگ تعلق نداشته باشد، اما مربوط به دیوار دیگری است که به احتمال مربوط به دوره اشکانی است، طبق مطالعات اخیر فرهنگ‌های مادی در مورد سفال‌های مخزن موزه ملی تهران بررسی شده است. درواقع محله ساربان و بازار آن می‌تواند درست در بین دروازه دولاب و عفان واقع شود.

بسیاری از دروازه‌هایی که نام آنها در منابع قرن ۱۲ دیده می‌شود را اکنون می‌توان شناسایی کرد، این به لطف منابع کریمان و برخی بررسی‌های شهری است، هرچند بدون مشکل نیز نیستند. برای مثال دروازه مصلحگاه در کتاب النقص آمده است (Karīmān 1345, 249–250)، به گفته منابع در نزدیکی مدرسه شیخ حیدر مکی بود، که کریمان آن را در جنوب بازار بلیسان جانمایی کرد، و من آن در شمال غربی شهر پیدا کردم. دروازه‌های جاروب بندان و عابس نیز در کتاب النقص ذکر شده (Karīmān 1345, 238–239; 243–247). هر دو در قسمت غربی شهر و در اطراف حرم حضرت عبدالعظیم واقع شده‌اند. در نتیجه من وسوسه شدم که دروازه جاروب بندان را در قسمت غربی شهر جانمایی کنم. دروازه عابس در نزدیکی حرم حضرت شاه عبدالعظیم بود، بیشتر به سمت جنوب، از آنجاکه به نظر می‌رسد این مکان مقدس به احتمال مهم‌ترین بنای یادبود شهر بوده است.

در نقشه کریمان دروازه مهران در بخش شمالی شهر بین دروازه بلیسان و دولاب قرار دارد (Karīmān 1345, 303–310). براساس کتاب النقص، محقق ایرانی این دروازه را در اطراف شهر باستان و وابسته به باروی بزرگ‌تر قرار داده‌اند. طبق استدلال او به نظر می‌رسد این دروازه مربوط به دیگر باروهای داخلی است. در هر صورت مکان این دروازه هنوز نامشخص است. اگر اما داده‌های ضعیف را کاهش دهیم، شناسایی موقعیت دروازه کننده نیز دشوار است. با این حال ممکن است این دروازه نیز متعلق به یک باروی داخلی باشد. چنین اتفاقی نیز در مورد دروازه شارستان صدق می‌کند که در همان منبع ذکر شده (Karīmān 1345, 248–249) که



تصویر ۵. نقشه باستان‌شناسی ری دوره سلجوقی (Rante 2015)

دروازه عابس، که به حرم شاه عبدالعظیم منتهی شد. این خیابان در بخش شمالی خود از محله مهم روژه عبور می‌کند. بنابراین بازار روژه در امتداد خیابان واقع شده است. در نتیجه این جاده در امتداد کانال سورینی به سمت جنوب می‌رفت.

خیابان مهم دیگر ساربان است، که از یک محله به همین نام عبور کرده و محل آن را در قسمت شرقی شهر شناسایی کرده‌ام. این جاده از شارستان عبور می‌کرد، من معتقدم این جاده از خیابان السور تا دروازه هشام تا جنوب شرقی به خارج از ری می‌رفت. پاسکال گُست در نقشه خود جاده‌ای را ترسیم کرد که از دروازه احتمالی دولاب عبور می‌کرد و پس از شارستان تا دروازه هشام به سمت شرق منحرف می‌شد. با توجه به توپوگرافی اشمیت و بررسی‌ها اخیر، به احتمال زیاد خیابان السور از دوازه دولاب آمده و به جنوب غربی منتهی شده است، و اینکه این خیابان دیگر (دروازه ساربان) به سمت جنوب شرقی منشعب شده است. بنابراین خیابان‌های باتان و بلیسان باید در دروازه‌های مربوطه در

به احتمال زیاد می‌تواند در باروی قدیمی شهر جانمایی شود.

شبکه جاده‌های شهری در ری دوره سلجوقی بسیار پیچیده بوده است. با این وجود، شهرنشینی جدید هرگونه بازسازی جدی و احتمالی شبکه راه را غیرممکن ساخته است، و منابع مکتوب نیز از نظر اطلاعات و جزئیات بسیار ضعیف هستند. در حالی که نقشه کریمان شبکه‌ای کاملاً متشکل از جاده و مسیرها را ارائه می‌دهد، اشتباه‌های جهت‌گیری و ابعاد آن، همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، آن را برای اهداف ما بی‌فایده کرده است. تنها عناصر قابل اعتماد در این نقشه دروازه‌ها و بازارها هستند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین جاده السور است که در چند منبع تاریخی همچون ابن الفقیه همدانی، السمعانی، العقوبی و الیاقوت ذکر شده است (Karīmān 1345: 231-233). پس از منابع مکتوب، اما با توجه به عناصر شهری که تا امروزه نقشه‌برداری شده است، این خیابان به احتمال از طریق دروازه دولاب وارد شهر شده و به صورت مورب از دوازه‌های جنوب غربی عبور می‌کند، به احتمال

شمال غربی واقع شوند. نزدیک دروازه بلیسان به احتمال بازار مخصوص آن قرار دارد. بازار جبال، همان‌گونه که کریمان پیشنهاد کرد (Karīmān 1345: 215-216) باید در نزدیکی دروازه باتان واقع شود، که نام بازار آن را پیدا نکردم. براساس نقشه کُست امکان شناسایی یک جاده صالی وجود دارد، از شمال غربی (دروازه بلیسان) عبور می‌کند و به سمت حرم شاه عبدالعظیم حرکت می‌کند، که موقعیت آن جنوب/جنوب غربی است.

### شهر بیرونی

من می‌خواهم این مطالعه را با ارائه برخی از داده‌ها در مورد شهر بیرونی ری که کمتر شناخته شده به پایان برسانم. هیچ اثری از محوطه‌های سلطنتی در خارج از محدوده استحکامات شهر مشاهده نشده است، همان‌گونه که در برخی منابع تاریخی بدان اشاره شده است (Le Strange 1966: 216-217). مطابق با مطالعات متعدد دیوید دوراند-گیودی در مورد اصفهان و غرب ایران (Durand-Guédy 2011; idem 2012; idem 2013) من از وجود چندین سازه سلجوقی سلطنتی در اطراف باروهای شهر اطمینان دارم (Du-rand-Guédy 2011, 231) این دقیقاً با گفته‌های یاقوت (Le Strange 1966: 217) در خصوص قرارگیری قلعه طبرک در سمت راست جاده خراسان هنگام خروج از ری مطابق است. تنها مطالعات تاریخی دقیق‌تر می‌توانند اطلاعات بیشتری در این زمینه ارائه دهند.

با توجه به شواهد باستان‌شناسی موجود، من این تحقیق را به مقبره‌ها و آیین تدفین ری در دوره سلجوقی محدود می‌کنم. در آن زمان، بخش شرقی شهر، دیوارهای اضافی به‌عنوان یک

مکان یادبود استفاده شده است. به نظر می‌رسد منطقه بی‌بی شهربانو در هر دوره‌ای نقش جشن و مهمانی را برای دشت ری داشته است. این مکان محل دفن بسیاری بود: مقبره‌های معمولی شناسایی شده‌اند، متشکل از یک گودال و به احتمال با یک تخته سنگ پوشانده شده است. این تپه همچنین محل چندین بنای تدفینی بوده است. در دهه ۱۹۷۰ میلادی شهریار عدل (1970; 1990: 298-295) تمام مقبره‌های موجود را بررسی و برخی از آنها را حفاری کرد، اما هیچ نقشه‌ای را با علامت‌گذاری مکان آنها منتشر نکرده است. علاوه بر این برخی از مقبره‌ها و بناهای یادبود در اطراف منطقه‌ای واقع شده که تحت بهره‌برداری اولیه صنعتی قرار گرفته است. طبقه‌گفته‌های اشمیت، یک کارخانه سیمان که در دهه ۱۹۳۰ فعالیت می‌کرده، به تخریب آنها منجر شده است. عدل در نتیجه بررسی‌های خود دو نوع اصلی برج-مقبره برای آنها معرفی می‌کند: دایره‌ای شکل - که در آن ساختارهای چند ضلعی نیز قرار دارد- ساختارهای مستطیلی شکل. در میان نوع اول، او دو دسته مختلف را تشخیص داد: برج-مقبره با ۱۵ لبه بیرون آمده برجسته و برج مقبره با ۱۳ لبه و پیش آمده برجسته (Adle 1990, 296-298). در مورد برج-مقبره‌های دایره‌ای شکل، از آجر پخته شده، روی یک سکوی مدور ساخته شده‌اند. برج شامل دو اتاق مقبره در داخل بود، که برخی اوقات دیگران نیز به آن اضافه می‌کردند. داخل این اتاق‌ها با تابوت‌های چوبی پوشانده شده است. در مورد برج-مقبره‌های مستطیل شکل، داده‌ها بسیار ضعیف هستند که به احتمال به نظر می‌رسد تنها یک اثر تاریخی آسیب دیده کاوش شده است. به نظر می‌رسد که این نوع مقبره‌ها از یک اتاق واحد تشکیل شده است، که در آن





تصویر ۶. بنای یادمانی مبتنی بر چند ضلعی متعلق به یک خانواده حکومتی یا اشرافی (Schmidt 1942, UP-) (MAA archives)

دو بنای تاریخی را ترسیم کرده، که یکی از آنها برج-مقبره هشت ضلعی (تصویر ۵) و دیگری یک بنای یادبود که در آنجا به عنوان مسجد شناخته شده است. بعداً کاوش‌های اشمیت ماهیت این آخرین بنای تاریخی را مشخص کرد: یک برج-مقبره مبتنی بر چند ضلعی با فضای داخلی متشکل از چندین اتاق که به نظر می‌رسد متعلق به همان خانواده درباری یا اشرافی باشد (تصویر ۶).

#### برآیند

هدف از این پژوهش بازسازی نقشه شهری ری در طول حکومت سلجوقی است.<sup>۱</sup> با توجه به منابع مکتوب در طول حکومت سلجوقی، همه

می‌توان تابوت‌های زیادی را قرار داد. ضمن تشکر از نقشه گُست، اکنون می‌توان تمام برج-مقبره‌ها را که در این منطقه پراکنده شده‌اند را شناسایی کرد. همان‌طور که در تلاش من برای نقشه در تصویر ۴ دیده می‌شود، همه مربوط به دوره سلجوقی با پیروی از گاهنگاری شهریار عدل است. با توجه به کشفیات باستان‌شناسی، هر برج-مقبره به احتمال با یک کتیبه از کاشی‌های لعابدار تزئین شده است. براساس بررسی‌های گُست، روشن است که برج-مقبره‌ها مستطیل شکل بسیار بیشتر از برج‌های دیگر است. آنها کل نکر و پلیس ری زبرین را در برگرفته است. در دامنه جنوبی تپه کوچک‌تر جنوب بی‌بی شهربانو، پاسکال گُست

۱ مطالعه فرهنگ مادی، با همکاری رناتا هولود (دانشگاه پنسیلوانیا) و روکورنته (موزه لوور) در حال انجام است. برخی از جنبه‌های آن در رساله اخیر در مورد ری (Rante 2015)، همچنین در کتاب ترپتو (۲۰۰۷) در مورد برخی از سفال‌های لعابدار اریک اشمیت بین سال‌های ۱۹۳۴ و ۱۹۳۶ و چندین مقاله منتشر شده در مورد منسوجات ری، در

شهرهای اصلی این حکومت تحت شهرنشینی گسترده قرار گرفته است. با این حال، این مراکز، برنامه‌های مختلف شهری را توسعه دادند.

با وجود این، این مراکز نقشه‌های مختلف شهری را تدوین کردند. این امر به ویژه به کارکرد سیاسی هر مرکز، انتخاب یک پایتخت سیاسی خاص برای توسعه بیش از سایر مراکز و به موقعیت زمین‌ریخت‌شناسی هر شهر بستگی دارد، که با مرزهای جغرافیایی رشد شهری را به شدت محدود می‌کرده است. به این چهارچوب باید استحکامات نیز اضافه شود که توسعه بعدی شهر را محدود کرد.

پیشینه تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی موجود نشان داده که ری از اوایل دوران اسلامی تاکنون شهر مهمی بوده است. این شهر در زمان حکومت المهدی توسعه سریع شهری خود را آغاز کرد و در زمان حکومت آل بویه (قرن دهم) به اوج خود رسید، هرچند ما فقط داخل حصار را در نظر گرفته‌ایم. بیشترین گسترش به سمت جنوب با وجود باب سین مشخص شده، همان‌طور که در بالا ذکر شد، دروازه‌ای که در منابع قرن ۱۰ ذکر شده است. بنابراین می‌توان تعیین کرد که در طول قرن دهم اندازه تقریبی ری ۵۵۰ هکتار در دورن حصار باشد.<sup>۱</sup> داده‌های مربوط به ابعاد شهری سایر شهرها اندک است، و از آنجاکه آنها فقط از منابع مکتوب تشکیل شده، بسیار محدود و اغلب اشتباه است. برای اندازه‌گیری اندازه یک شهر باید چندین عامل را در نظر گرفت. اولین عامل یک بررسی

فهرست زیر ظاهر شده است.

باستان‌شناسی است که بعداً با منابع تاریخی مقایسه می‌شود. این همان کاری است که من در اینجا انجام داده‌ام: به منظور ردیابی محدوده محل زندگی شهری، هنگامی که من این آثار را در دست داشتم، محیط آثار باستانی را شناسایی کردم. باروها و بررسی‌های باستان‌شناختی در خارج از شهر شروع خوبی برای تخمین اندازه یک منطقه شهری است. وقتی عناصر باستان‌شناسی کافی نباشد، از منابع مکتوب می‌توان برای تکمیل چهارچوب استفاده کرد. با توجه به تصاویر هوایی، گسترش جغرافیایی اصفهان، به عنوان مثال تقریباً ۵۹۰ هکتار اندازه‌گیری شده که داخل حصار را نیز شامل می‌شود (نگاه کنید به طرح پیشنهادی گلوبک) (Golombek 1976, fig. 3).

اندازه نیشابور، که به دلیل فقدان مرز (دیوار) دشوار است را بولیت (Bulliet 1976, 88) ۱۸۶۰ هکتار تخمین زده است. این نشان‌دهنده حداکثر گسترش شهر است، و اختصاص آن به یک زمان خاص دشوار است.<sup>۲</sup> شادیاخ، که در قرن ۹ تأسیس شد، مساحت تقریباً ۱۵۰ هکتار را تحت پوشش قرار می‌دهد؛ بخش قدیمی شهر، متشکل از کهندژ (قلعه) و شارستان، هم در این دوره و هم در منطقه بین شهر قدیم و شادیاخ استقرار یافته است. این نشان می‌دهد که در طول قرن دهم اندازه و وسعت شهر تا حدودی برابر است و نسبت به ری و اصفهان فراتر رفته است. محاسبه الشاهیجان مرو نیز به دلیل عدم وجود باروها در آن دوره دشوار است. هنوز

۱ من از این فرصت استفاده می‌کنم و داده‌های اخیر منتشر شده را تصحیح می‌کنم (Rante 2015: 144). در آنجا کل سطح استقرار احتمالی اشکانیان را حدود ۱۰۲ هکتار نشان دادم. اکنون باید این اندازه به ۲ برابر اندازه اصلاح شود: حدود ۲۰۲ هکتار.

۲ در این تحقیق من «پراکندگی مواد» را شامل نمی‌شود، بلکه فقط مناطق شهری را در بر می‌گیرد.

مشخص نیست که در کدام قسمت از شهر باستان (ارگ قلعه و غیور قلعه) ساکن بوده‌اند. در مورد بلخ و هرات، داده‌های باستان‌شناسی کافی برای تعیین گسترش شهری قرن ۱۰ حتی به صورت تقریبی وجود ندارد. با این حال می‌توان پیشنهاد کرد که به احتمال در بلخ، مساحت عمومی آن تقریباً به ۶۶۰ هکتار می‌رسد، باروی باستانی در طول دوره هنوز مورد استفاده قرار گرفته است (Bernard, Besnval and Marquis) (2006, fig. 1).

در دوره سلجوقی، ری فراتر از باروها گسترش یافت. استقرارهای کوچک روستایی شهر را محاصره کردند (Karīmān 1345) و یک نکرولیس در ضلع شرقی شهر گسترش یافت. اگر کل منطقه را در نظر بگیریم، در طول قرن ۱۲ ری باید تقریباً بیش از ۱۰۰۰ هکتار وسعت در حصارهای داخلی و خارجی گسترش یافته است. برعکس، اندازه اصفهان در آن زمان هنوز از نظر باستان‌شناسی روشن نیست. ناصر خسرو که در سال ۱۰۵۲ شمسی از آن شهر بازدید کرد، محیط دیوار را ۲۰ کیلومتر تخمین زده است، که با مساحت حدود ۱۲۰۰ هکتار مطابقت دارد. طبق نقشه گلوبمک، و استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و ابزارهای اطلاعات جغرافیایی، وسعت شهر تقریباً ۵۰۰-۶۰۰ هکتار بود. الشاهیجان مرو، در قرن یازدهم با دیوارها محصور شده، مساحت تقریبی ۵۰۰ هکتار را در داخل حصار و بیش از ۱۰۰۰ هکتار برای کل منطقه باستان‌شناسی را تحت پوشش قرار داده است (Williams 2007, 44-45). در غرب، همدان در مقایسه با دیگر شهرهای ذکر شده در توسعه شهری قرون میانی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. با این حال، با توجه به مشاهده انواع آثار باستانی

بزرگ در اطراف، اندازه آن می‌تواند حدود ۴۰۰ هکتار باشد.

برای ری، مرو و بلخ، داده‌های توپوگرافی (و باستان‌شناسی) کافی برای تخمین سطح شهری قرون میانی وجود دارد؛ برای دیگر شهرها که نام بردیم، فقط برآورد وجود دارد. بنابراین حتی اگر محدوده آنها با استفاده از فناوری‌های جدید مانند ماهواره‌ها و تصاویر هوایی پشتیبانی شده توسط GIS به دست بیایند، در صورتی که اینها تقریبی هستند و باید با احتیاط درباره آنها صحبت شود. با وجود این، موارد شهری که در اینجا ارائه شده‌اند، ایده‌ای از سیر تحول شهرنشینی بین قرون ۱۰ تا ۱۲ را ارائه می‌دهند. ری از اواخر قرن ۸ و به خصوص قرن ۹ بسیار شهری مستحکم بود. بین قرن ۱۰ و اوایل قرن ۱۳ شهر گسترش یافت. توسعه آن در خارج از دیوارهای بیرونی بیشتر قابل مشاهده است. اطراف شهر، به جز در ضلع شرقی آن که نکرولیس بزرگ در آن نهفته است، با محلات اشغال شده است. حتی امروزه اینها هنوز به عنوان یک مکان مشخص شهری به نظر می‌رسند، همان‌طور که در مناطق جنوبی و در اطراف حرم عبدالعظیم دیده می‌شود. مشخصه ری، که در آن با دیگر شهرهای دیگر آن دوره متفاوت است، وجود یک منطقه بسیار خوب و سازمان یافته برای گورستان است، متشکل از گورهای ساده و مکان‌های یادبودی از انواع مختلف معماری، که برای طبقات مختلف اجتماعی تعیین شده است. آنها پیام فرجام‌خواهانه خود را به کل منطقه شهری دشت ری اعلام کردند.

از منظر شهری، برای حفظ و تقویت استحکامات ری کار مداوم لازم بود، همان‌طور که با کاوش‌های اخیر باستان‌شناسی تأیید شده است. با این حال، جدا از بناهای

سلطنتی، سلجوقیان واقعاً چیزهای جدید در آنجا نساختند. این شهر به لطف موقعیت سیاسی- اجتماعی خود، جاده اصلی به سمت شرق یا غرب، قرارگیری در دامنه کوهها و تأمین مداوم آب شهر رشد کرده است.

### کتابنامه

- Abū l-Rashīd Nāsir al-Dīn 'Abd al-Jalīl Qazvīnī Rāzi (1952), *Ketāb al naqz ma 'ruf ba Ba 'z maṭāleb al-nawāṣeb fi naqz "ba 'z-fazā'eh al-rawāfez"* (comp. ca. 560/1165), ed. Jalāl al-Dīn Ḥosaynī Moḥaddet Ormavi, Tehran.
- Adle, C. (1979), "Constructions funéraires à Rey circa Xe- XIIe siècles", in *Akten des VII. Internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archäologie München, 7-10. September 1976* (Archäologische Mitteilungen aus Iran, Ergänzungsband 6), Berlin, 511-515.
- (1990), "Notes sur les première et seconde campagnes archéologiques à Rey, automne-hiver 1354- 1355/1976-77", in *Contribution à l'histoire de l'Iran, Mélanges offerts à Jean Perrot*, F. Vallat (ed.), Paris, 295-307.
- Bernard, P., Besenval, R. and Marquis, Ph. (2006), "'Mirage Bactrien' aux Réalités archéologiques: nouvelles fouilles de la Délégation Archéologique Française en Afghanistan (DAFA) à Bactres (2004-2005)", *Compte-Rendus de l'Académie des Inscriptions et Belles Lettres*, volume 150/2: 1175-1248.
- Blair, S., Bloom, J. and Wardwell, E. (1992), "Reevaluating the date of the 'Buyid' Silks by Epigraphic and Radiocarbon Analysis", *Ars Orientalis* 22: 1-41
- Bulliet, R. W. (1976), "Medieval Nishāpūr: A Topographic and Demographic Reconstruction" *Studia Iranica* V: 67-89.
- Durand-Guédy, D. (2011), "Where did the Saljuqs live? A case study based on the reign of Sultan Mas'ūd b. Muhammad (1134-1152)", *Studia Iranica* 40, 211-258.
- (2012), "Ruling from the Outside: A New Perspective on Early Turkish Kingship in Iran", in L. Mitchell and C. Melville (eds), *Every Inch a King. Comparative Studies on Kings and Kingship in the Ancient and Medieval Worlds*, Leiden: Brill, 325-342.
- (2013), "The Tents of the Saljuqs", in D. Durand-Guédy (ed.), *Turko-Mongol Rulers, Cities and City Life*, Leiden-Boston: Brill, 1-20.
- Golombek, L. (1974), "Urban Patterns in Pre-Safavid Isfahan" in *Studies on Isfahan, Part I, R.* Holod, ed. (Iranian Studies 7), 18-44.
- al-Hamadhānī Ibn al-Faqīh, *Kitāb al-Buldān*, transl. H. Massé, (1973), *Abrégé du livre des pays*, Institut Français, Damascus.
- Ibn al-Athīr, 'Alī b. Muḥammad, (1303/1886), *al-Kāmil fi l-tārīḥ*, I-XI, Cairo.
- Ibn Ḥawqal Muḥammad ibn 'Alī al-Naṣībī Abū al-Qāsim (1964), *Kitāb Surat al-ard, Lacon figuration de la terre*, introduction et traduction par J.-H. Kramerset G. Wiet, préface de André Miquel, Paris.
- Ibn Rusta (1955), *Al-A' lāq al-naḥḥisa*, transl. G. Wiet, *Ibn Rosteh, Les atours précieux*, ifao, Cairo.
- Istakhrī (1870), *Kitāb al-Masālik wa l-mamālik*, in *Bibliotheca Geographorum Arabicorum*, M. J. de Goeje's ed., Leiden.
- Karīmān, H. (1345/1975), *Rayy-I Bāstān*, 1-2, Tehran.
- Keall, E. J. (1979), "The Topography and Architecture of Medieval Rayy", *Akten des VII. Internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archäologie München, 7-10. September 1976* (Archäologische Mitteilungen aus Iran, Ergänzungsband 6), Berlin, 537-543.
- Ker Porter, R. (1821-1822), *travels in*



- Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia during the years 1817, 1818, 1819 and 1820*, London: Longman, Hurst, Rees, Orme and Brown.
- King, D. (2004), "The Textiles Found near Rayy about 1925", in *Collected Textile Studies*, A. Muthesius and M. King, ed., London, 17–56.
- Miles, G. (1938), *the Numismatic History of Rayy*, New York.
- Mottahedeh, R. (2001), *Loyalty and Leadership in an Early Islamic Society*, London-New York.
- Schmidt, H. (1935), "Persische Seidenstoffe den Seldjukenzeit", *Ars Islamica* II: 139–141.
- Shepherd, D. G. (1974), "Medieval Persian Silks in Fact and Fantasy", *C. I.E. T.A. Bulletin* 39–40: 1–239.
- Sprengling, U. (1930), "An important Early Persian Textile", *Bulletin of the Art Institute of Chicago* XXIV: 94–95.
- Rante, R. (2007), "The topography of Rayy pertaining to the early Islamic period", *Iran* XLV, 161–180.
- (2015), *Rayy: From Its Origins to the Mongol Invasion*, Leiden-Boston.
- Valles, V., Gholami, M., Lambert, R. (1990), "Chimie des eaux et alimentation du basin versant du Djajerud (Iran)", *Hydrologie Continentale* 5, 1: 61–69.

# “Contents”

## Article

The Bronze Statue of a Lion of the Achaemenid Period from Fareghan, Hajiabad, Hormozgan   <b>Mehdi Rahbar &amp; Mehdi Khalili</b>	4
On the Development of Sasanian Seals and Sealing Practice: A Mesopotamian Approach   <b>Nils C. Ritter, Persian Translated by Zahra Fallahi &amp; Reza Mehrabi</b>	12
A Himyarite Diplomatic Mission to the Sasanian Court of Bahram II depicted at Bishapur   <b>Bruno Overlaet, Persian Translated by Niknam Najib</b>	25
Bronze Vessels of the Sassanid Period in Sarpol-e zahab, Kermanshah   <b>Sajjad Alibeigi</b>	32
Alternating like Patterns in Motifs of Gonbad-e Kabood of Maragheh   <b>Dariush Ahmadi</b>	37
The Urbanization of Rayy in the Seljuq Period   <b>R. Rante &amp; . Di Pasquale, Persian Translated by Mohsen Saadati</b>	52
Ritual and Burial Method of the Tribes of the West of the Central Zagros   <b>Ali Nourallhi</b>	69
Pots and Peoples   <b>Karol Cramer, Persian Translated by Mojtaba Charmchian &amp; Hamzeh Kheradmand</b>	104

## Memorandum

Firouz Bagherzadeh	135
--------------------	-----

## Obituary

Hasan Talaei, Javad Ghandgar, Sadegh Malek Shahmirzadi, Wolfram Kleiss, Michele Casanova   <b>Arshak Irvanian</b>	145
---	-----

## Critique and Book Review

The Oxford Handbook Of Islamic Archaeology   <b>Hosein Sabri</b>	147
--	-----

## Report

18 <sup>th</sup> Annual Symposium on Iranian Archaeology	153
--	-----



# ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○  
| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |  
| Persian Journal Of Iranain Studies |  
| Vol. 4, No.6, Spring & Summer 2021 |

Concessionaire, Manager in Charge  
and Editor-in-chief:

| Dr. Shahin Aryamanesh |

Managing Editor: **Houshang Rostami**

📍 Tehran, Iran, Post box: 14515-569

🌐 [www.iranvarjavand.ir](http://www.iranvarjavand.ir)

✉ [Iranvarjavand@hotmail.com](mailto:Iranvarjavand@hotmail.com)

☎ +98 9395969466

The figure is a Sasanian king, identified by his crown  
as either Shapur II or Bahram V, from Iraq, Kish,  
© The Field Museum of Natural History

All rights reserved. No part of this publica-  
tion may be reproduced, stored in a retrieval  
system or transmitted in any form or by any  
means, electronic, mechanical, photocopying,  
recording or otherwise, without prior permis-  
sion in writing, form the publisher.

With Contributions by

| Tisaphemes Archaeological Research Group |





*Persian Journal of Iranian Studies / Vol. 4 / No. 6 / Spring & Summer 2021*



ایران  
ورجاوند

Iran-e Varjavand  
(Glorious Persia)

- ◆ Pots and Peoples
- ◆ The Urbanization of Rayy in the Seljuq Period
- ◆ Ritual and Burial Method of the Tribes of the West of the Central Zagros
- ◆ Alternating like Patterns in Motifs of Gonbad-e Kabood of Maragheh
- ◆ Bronze Vessels of the Sassanid Period in Sarpol-e zahab, Kermanshah
- ◆ On the Development of Sasanian Seals and Sealing Practice: A Mesopotamian Approach
- ◆ A Himyarite Diplomatic Mission to the Sasanian Court of Bahram II depicted at Bishapur
- ◆ The Bronze Statue of a Lion of the Achaemenid Period from Fareghan, Hajiabad, Hormozgan